



رساله‌ی کارشناسی ارشد با موضوع :

بررسی تطبیقی تاثیر نمایش نامه‌نویسی بر تولد برشت  
بر نمایش نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی بر اساس روش  
فرانسوی

استاد راهنما:

دکتر مه‌دخت پورخالقی چترودی

استاد مشاور:

دکتر مهدی سلطانی سروستانی

دانشجو:

آمنه مجذوب صفا

دی‌ماه ۱۳۸۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



رساله‌ی کارشناسی ارشد با موضوع :

بررسی تطبیقی تاثیر نمایش نامه‌نویسی بر تولد پرشت  
بر نمایش نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی بر اساس روش  
فرانسوی

استاد راهنما:

دکتر مه‌دخت پورخالقی چترودی

استاد مشاور:

دکتر مهدی سلطانی سروستانی

دانشجو:

آمنه مجذوب صفا

دی‌ماه ۱۳۸۹

تقدیم به پدر و مادر مهربانم  
که نخستین آموزگاران  
زندگی ام بودند.

# اظهارنامه

اینجانب آمنه مجذوب صفا دانشجوی دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده‌ی پایان‌نامه‌ی بررسی تطبیقی تاثیر نمایش‌نامه‌نویسی برتولت برشت برنمایش‌نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی براساس روش فرانسوی به راهنمایی دکتر مه‌دخت پورخالقی متعهد می‌شوم:

- تحقیقات در این رساله/پایان‌نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در رساله/پایان‌نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه فردوسی مشهد » و یا « Ferdowsi University of Mashhad » به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی رساله/پایان‌نامه تأثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از رساله/پایان‌نامه رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این رساله/پایان‌نامه، در مواردی که از موجود زنده (یا بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این رساله/پایان‌نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ امضای دانشجو

## مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در رساله/پایان‌نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.
- متن این صفحه نیز باید در ابتدای نسخه‌های تکثیر شده وجود داشته باشد.



بسمه تعالی

مشخصات رساله / پایان نامه تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان پایان نامه: بررسی تطبیقی تاثیر نمایش نامه نویسی بر تولد برشت بر نمایش نامه نویسی غلامحسین ساعدی بر اساس روش فرانسوی

نام نویسنده: آمنه مجذوب صفا

نام استاد(ان) راهنما: دکترمه دخت پورخالقی

نام استاد(ان) مشاور: دکترمهدی سلطانی سروستانی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی	گروه: زبان و ادبیات فارسی	رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی
تاریخ تصویب:	تاریخ دفاع:	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	دکتری	تعداد صفحات: ۱۰۰

چکیده:

در این پایان نامه که موضوع آن «بررسی تطبیقی تاثیر نمایش نامه نویسی بر تولد برشت بر نمایش نامه نویسی غلامحسین ساعدی بر اساس روش فرانسوی» است، تئاتر یکی از هنرهای بسیار مهم و مؤثر در ایجاد تغییرات فرهنگی در جوامع مختلف شناخته شده است. با توجه به این که رابطه ی بسیار نزدیکی میان تئاتر و ادبیات وجود دارد، برای بررسی تغییرات فرهنگی و میزان تأثیر و تأثر متون نمایشی بر یکدیگر از روش فرانسوی که اصلی ترین مکتب و روش در ادبیات تطبیقی است ، استفاده کرده ایم. با بررسی آثار نمایشی برتولت برشت و غلامحسین ساعدی به این نتیجه رسیده ایم که علی رغم تغییرات و روند بومی سازی تکنیک و شیوه، تکنیک برشت در ساعدی بسیار تأثیر داشته و مشابهت های فراوان ساختاری (صحنه های قائم به ذات، دیالوگ، موسیقی ، استفاده از تمثیل و استفاده از ماسک) و محتوایی (پرداخت به مسائل زنان، پویایی شخصیت ها ، چالش تماشاگر و افکارش برای رسیدن به شناخت، قرار داشتن انسان در جایگاه غایی، شخصیت پردازی در تئاتر اپیک، دیالوگ در خدمت محتوا و موتیف های مشترک) میان آثار نمایشی این دو نویسنده وجود دارد. در این بررسی با ارایه ی شواهد ادعای ما درباره ی تأثیر گذاری برشت بر ساعدی تأیید و تصدیق شده است.

کلید واژه:	امضای استاد راهنما:
۱. تئاتر	
۲. ادبیات تطبیقی	
۳. روش فرانسوی	
۴. برتولت برشت	
۵. غلامحسین ساعدی	
	تاریخ:

## فهرست مطالب

پیشگفتار .....	۸
۱- مقدمه .....	۱۴
۱-۱ تاریخچه‌ی تئاتر .....	۱۴
۱-۱-۱ تئاتر شکسپیری .....	۱۸
۱-۱-۲ تئاتر استانیسلاوسکی .....	۱۸
۱-۱-۳ تئاتر برشتی .....	۲۱
۲-۱ تئاتر ایران از آغاز تا روزگار غلامحسین ساعدی .....	۲۲
۳-۱ ادبیات تطبیقی .....	۳۲
۱-۳-۱ تاریخچه‌ی ادبیات تطبیقی .....	۳۲
۲-۳-۱ سبک‌های ادبیات تطبیقی و نظریه‌ی فرانسوی .....	۳۸
۱-۴-۱ برتولت برشت .....	۴۱
۱-۴-۲ تکنیک برشت .....	۴۶
۱-۵-۱ غلامحسین ساعدی .....	۵۱
۱-۵-۲ تکنیک ساعدی .....	۵۹
۲- تأثیر برتولت برشت بر نمایش‌نامه‌های غلامحسین ساعدی .....	۶۴
۱-۲ شباهت‌های ساختاری .....	۶۴
الف) صحنه‌های قائم به ذات .....	۶۴

۶۵	..... (ب) دیالوگ
۷۰	..... (پ) موسیقی
۷۳	..... (ت) استفاده از تمثیل
۷۶	..... (ث) استفاده از ماسک
۷۷	..... ۲- ۲- شباهت‌های محتوایی
۷۷	..... ۲-۲- ۱- مروری بر نقد اجتماعی
	..... محورهای شباهت‌های محتوایی عبارتند از:
۸۰	..... (الف) زنان و مسائل مربوط به زنان
۸۲	..... (ب) شخصیت‌های پویا
۸۵	..... (پ) چالش تماشاگر و افکارش برای رسیدن به شناخت
۸۶	..... (ت) جمع‌گرایی
۸۷	..... (ث) شخصیت پردازی در تئاتر اپیک
۸۷	..... (ج) دیالوگ در خدمت محتوا
۸۹	..... (چ) موتیف‌های مشترک
۹۱	..... نتیجه‌گیری
۹۵	..... پیشنهاد برای پژوهش‌های مرتبط
۹۶	..... فهرست منابع



«برشت برای من انسانی و الگویی فوق‌العاده و یکی از  
ارزشمندترین نمایش نامه‌نویسان دوران معاصر ماست»  
غلامحسین ساعدی

## پیشگفتار

علوم انسانی در میان بسیاری از حوزه‌های دانش بشری، از جمله عرصه‌هایی است که بیشترین تأثیر را در میان زیرمجموعه‌های خود و همچنین در ارتباط با دیگر حوزه‌های علوم و فنون بشری از خود برجای می‌گذارد. یافتن این شباهت‌ها و تأثیرگذاری‌ها تازگی و شیرینی خاصی دارد. تأثیرگذاری در حوزه‌ی زبان و ادبیات به عنوان یکی از مؤثرترین حوزه‌های تأثیرگذار علوم انسانی، محسوس است. این تأثیرگذاری در گسترش و رشد حوزه‌های مختلف علوم سهم بسزایی دارد. زبان و ادبیات در موارد بسیاری دارای نقش و کارکرد ارتباطی میان حوزه‌های مختلف علوم انسانی است. نمایش‌نامه‌نویسی یکی از پل‌های ارتباطی میان ادبیات و هنر است که با کارکرد دوگانه‌ی خود، در رشد و پیشبرد اهداف هر دو حوزه سهم به‌سزایی دارد. با مرور شواهد تاریخی در می‌یابیم که حوزه‌ی نثر در زبان فارسی در زیر سایه‌ی سنگین نظم پنهان و مهجور مانده است. از طرفی دیگر ادبیات معاصر نیز در حاشیه‌ی دریای ادبیات

بررسی تطبیقی تأثیر نمایش‌نامه‌نویسی برتولت برشت بر نمایش‌نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی براساس روش فرانسوی کلاسیک فارسی به حیات خود ادامه می‌دهد. با این همه نگارنده‌ی این سطور جسارت کرده و به سراغ مهجورترین حوزه‌های ادبیات فارسی یعنی نثر معاصر و نمایش‌نامه‌نویسی رفته است. در اسفندماه ۱۳۸۳ در کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، به طور بسیار اتفاقی کتابی گمنام و کمیاب یافتم که تمام نوروز آن سال غرق در آن بودم، کتاب *گوهر مراد و مرگ خودخواسته اثر اسماعیل جمشیدی*. بعد از ورود به دوره‌ی کارشناسی ارشد با پیشنهاد پدرم درباره‌ی بررسی آثار نویسندگان جامعه‌گرا به یاد آثار ساعدی و رویکرد اجتماعی آن‌ها افتادم. در بررسی‌های اولیه، با توجه به موانع و کمبودها در حوزه‌ی مطالعات تطبیقی بخصوص در تئاتر و نمایش‌نامه‌نویسی، عزمم را جزم کرده تا این موضوع را با عنوان طرح پژوهشی پایان‌نامه‌ی تحصیلی‌ام انتخاب و به انجام برسانم. انتخاب چنین موضوعی فارغ از مشکلات بسیار زیادی که دارد و تلخی‌های زیادی که در طی مسیر برای من به همراه داشت، باعث شد تا عزمم را برای انجام چنین طرحی جزم‌تر کرده و با قدرت بیشتر به راه خودم ادامه بدهم. نگاه واقع‌بینانه‌ی بسیاری از کسانی که درباره‌ی این موضوع با آن‌ها مشورت کردم، تنها در مخالفت و تخریب خلاصه می‌شد؛ شاید همین مسأله مرا در انتخاب موضوع مصمم‌تر کرد. پشتیبانی‌های استاد محترم راهنما و خانواده در این مسیر تنها نقاط روشن آغاز کار من بود. با توجه به تأثیر برشت بر نمایش‌نامه‌نویسی دوران معاصر و حضور بسیار محسوس و پررنگ او در تئاتر دوره‌ی ساعدی، به تأثیرات برشت بر ساختار و شیوه‌ی نگارش و محتوای آثار ساعدی پی بردم و درصدد اثبات این مدعا برآمدم.

### پیشینه‌ی تحقیق

برای یافتن پیشینه‌ی تحقیق به سراغ پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع رفتم. در یکی از گذارهایم به کتابفروشی‌ها کتابی منحصر به فرد را با عنوان *کتاب‌شناسی پایان‌نامه‌های نمایش از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۴* به کوشش *علی تاجور* یافتم که در شناخت پیشینه‌ی تحقیق بسیار مهم بود. در بررسی‌های اولیه ۳۶ پایان‌نامه مرتبط با برشت فهرست‌برداری شد. در گام بعدی حدود ۱۶ پایان‌نامه مربوط به آثار و آرای ساعدی یادداشت برداری شد. در این فهرست هیچ پایان‌نامه‌ای ارتباط

بررسی تطبیقی تأثیر نمایش نامه‌نویسی بر تولد برشت بر نمایش نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی بر اساس روش فرانسوی مستقیمی با موضوع نداشت و از نظر منابع چندان ارزشمند نبودند. تعدادی از این پایان‌نامه‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع داشت به شرح زیر است:

- اکرمی، عباس. تأثیر عقاید و قایع سیاسی در نمایش نامه‌های برشت (رساله‌ی نظری). نمایش نامه «وقایع‌نگاری یک اپرت» (رساله‌ی عملی). استاد راهنما: حسن دولت آبادی. پایان‌نامه کارشناسی ادبیات نمایشی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز) دانشکده هنر و معماری، ۱۳۸۰.

- دوستی، مهدی. بررسی بازتاب ادواری تاریخ در آثار برشت. استاد راهنما: تاجبخش فنائیان. پایان‌نامه کارشناسی کارگردانی. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده‌ی هنرهای زیبا، ۱۳۸۰.

- نژدنجفیان بوستان آبادی، سعید. جنگ و انعکاس آن در آثار نمایشی برتولت برشت. (رساله‌ی نظری). کارگردانی نمایش «ننه دلاور» (رساله‌ی عملی). استاد راهنما: فرهاد ناظرزاده کرمانی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد کارگردانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر، ۱۳۸۱.

- عبدالهی نمین، هایده. شباهت‌های تئاتر روایی (حماسی) برشت با نمایش‌های ایرانی (نقالی و تعزیه). استاد راهنما: امیر اشرف آریان پور، استاد مشاور و کتابیون فیض مرندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر تهران: دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز)، دانشکده هنر و معماری، ۱۳۷۹.

- پوریبانی، محمود. نقدی بر نمایش نامه‌های دکتر غلامحسین ساعدی (گوهر مراد) از آغاز تا آستانه‌ی انقلاب اسلامی. استاد راهنما: فرهاد ناظرزاده کرمانی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ادبیات دراماتیک. تهران: دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۶۷.

- ادیب، روشنگر. بررسی نمایش نامه‌های شادروان دکتر غلامحسین ساعدی با رویکردی روانشناسانه. (رساله‌ی نظری). نمایش بهترین بابای دنیا (رساله‌ی عملی) استاد راهنما: منیژه محامدی، پایان‌نامه کارشناسی ادبیات نمایشی تهران: دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز) دانشکده هنر و معماری ۱۳۷۶.

- بشیری، حسین. شخصیت‌پردازی در آثار دکتر غلامحسین ساعدی. (رساله‌ی نظری). نمایش نامه «قلاب» (رساله‌ی عملی) استاد راهنما: اسماعیل همّتی. دانشگاه آزاد اسلامی (واحد اراک) دانشکده هنر ۱۳۸۰.

بعد از این منابع به جستجو در میان مقالات منتشر شده درباره‌ی این دو نمایش نامه‌نویس در نشریات مختلف پرداختم. در نمایه‌ی کتابخانه‌ی ملی که مقالات را از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۹ فهرست کرده‌است، حدود ۳۰۰ مقاله‌ی مرتبط با برشت و ساعدی یافتم. در این میان ۱۲۰ مقاله در رابطه با ساعدی و ۱۸۰ مقاله مربوط به برشت بود. بعد از حذف مقالات زندگینامه‌ای ۴۰ مقاله مربوط به آثار، اعتقادات و آرای برشت بود و ۳۰ مقاله به بررسی آثار و آراء ساعدی می‌پرداخت.

بررسی تطبیقی تأثیر نمایش نامه‌نویسی برتولت برشت بر نمایش نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی براساس روش فرانسوی

این آمار بیانگر رویکردهای زندگی‌نامه‌ای و بیوگرافی نویسی در مقالات مرتبط با آنهاست. برخی از مقالات که در این تحقیق به شکل مستقیم استفاده شده‌اند عبارتند از:

- شروقی، علی. (۱۳۸۵). «ساعدی راوی هراس جمعی انسان‌ها». روزنامه‌ی اعتماد. ۲۴ دی ماه.

- شیدا، بهروز. (۲۰ و ۲۳ مهرماه ۱۳۸۴). «تصادفها و نمادها در داستان‌های غلامحسین ساعدی». روزنامه‌ی فرهنگ‌آشتی.

- صالحی، انوش «ساعدی، گوهرنمایش و داستان». ماهنامه آدینه. شماره‌ی ۱۳۵.

- نادری، افشین. (۱۳۸۵). «نویسنده‌ی مردم شناس». روزنامه‌ی اعتماد. ۲۵ مرداد ماه.

- نامجو، محسن. (۱۳۸۷). «برشت و موسیقی در تئاتر». فصلنامه‌ی دریچه‌ی هنر. شماره‌ی دوم.

از جمله مشکلات یافتن این مقالات و در استفاده از نرم‌افزار مخصوص کتابخانه‌ی ملی، نبود مقالات به طور کامل، نداشتن شماره صفحات، اشتباهات بسیار در ثبت تاریخ‌ها و... بود. در استفاده از منابع و مختلف در مواردی همچون کتاب *مارتین اسلین* درباره‌ی برشت که مدخلی از فرهنگ نویسندگان اروپایی بود، بعد از ترجمه و استفاده از متن اصلی متوجه شدم که این مدخل در سال ۱۳۷۶ ترجمه و چاپ شده بود. به عنوان نگارنده‌ی این تحقیق می‌توانم ادعا کنم که بیش از حدود ۲۵۰ منبع مختلف و مرتبط را مطالعه کردم و آنچه در فهرست منابع به آن اشاره شده، تنها منابعی است که مستقیماً در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

### فرضیه‌ها

- براساس نظریه‌ی فرانسوی ادبیات تطبیقی ساعدی در نمایش نامه‌نویسی از برشت متأثر است.
- تأثیرپذیری ساعدی از برشت بیشتر در حوزه‌های جامعه‌شناسی و سیاست بوده است.
- تأثیرپذیری ساعدی از آثار برشت بیشتر محتوایی بوده است.

### روش تحقیق

در بررسی‌های ابتدایی درباره‌ی ادبیات تطبیقی و روش فرانسوی، شرایط اصلی و بنیادین روش فرانسوی یعنی، داشتن فاصله‌ی زمانی و همزمان نبودن درباره‌ی برشت و ساعدی صادق بود. به همین جهت راه برای ادامه‌ی تحقیق و آرایه‌ی شواهد باز بود. مشکل عمده در تحقیق درباره‌ی نظریه‌ی ادبیات تطبیقی و روش فرانسوی این بود که منابع فارسی بسیار محدود، قدیمی

بررسی تطبیقی تأثیر نمایش نامه‌نویسی برتولت برشت بر نمایش نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی براساس روش فرانسوی و عمدتاً ترجمه‌ی آثار غربی یا عربی بودند. مسأله قابل توجه دیگر در این میان، نبود منابع حتی به زبان اصلی، برای ارایه‌ی توضیحات و شرح نظریه بود، زیرا امروزه تحقیقات ادبیات تطبیقی محدود به پرداختن به آثار و ارایه‌ی شواهد متنی است. با این همه این مرحله نیز با یافتن منابع معدود اما ارزشمند به زبان اصلی پشت سر گذاشته شد.

پس از این مراحل آغازین که در حکم مقدمات این اثر بود، به بخش اصلی و مطابقت میان شباهت‌ها و ارایه‌ی نمونه‌ها و شواهد پرداختم. این بخش به دو فصل اصلی تقسیم می‌شود که شامل: شباهت‌های ساختاری (صحنه‌های قائم به ذات، دیالوگ، موسیقی، استفاده از تمثیل و استفاده از ماسک) و محتوایی (پرداخت به مسائل زنان، پویایی شخصیت‌ها، چالش تماشاگر و افکارش برای رسیدن به شناخت، جمع‌گرایی، شخصیت‌پردازی در تئاتر اپیک، دیالوگ در خدمت محتوا و موتیف‌های مشترک) است. در هریک از این زیرفصل‌ها شواهد و نمونه‌های از متن آثار برشت و ساعدی ارایه شده‌است.

پس از انجام این مراحل، هدفم که نشان دادن تأثیر برشت بر نمایش نامه‌های ساعدی بود به شکلی روشن در نتیجه‌ی کار نمودار شد. امید است که مورد قبول خوانندگان اثر باشد. از تمامی کسانی که به نوعی مرا در انجام این پژوهش یاری کرده‌اند سپاسگزاری می‌کنم. تشکر و قدرانی خود را نسبت به زحمات پدر و مادر عزیزم که در تمامی دوران زندگی و بخصوص در طی مسیر دشوار این تحقیق، همراه و حامی من بوده‌اند، ابراز می‌دارم. همچنین خواهر مهربانم که محبت‌هایش از راه دور و نزدیک مرا دلگرم و امیدوار می‌ساخت. هرچند می‌دانم که جبران زحمات و محبت‌های آن‌ها هرگز ممکن نیست.

در مسیر اجرای این طرح پژوهشی استاد راهنمای بزرگوار، سرکار خانم دکتر مه‌دخت پورخالقی چترودی با حمایت‌های بی‌دریغ از آغاز تا پایان کار و ایستادگی در مقابل مخالفان با صبر و حوصله و دقت نظر مثال‌زدنی راه را برای این پژوهش جسورانه گشودند. ایشان همواره با راهنمایی‌های مفید، استادانه و مادرانه مرا در طی مسیر همراهی کردند.

بررسی تطبیقی تأثیر نمایش نامه نویسی بر تولد برشت بر نمایش نامه نویسی غلامحسین ساعدی بر اساس روش فرانسوی  
استاد محترم مشاور، جناب آقای دکتر سلطانی که با خلق و خوی مثال زدنی در تمامی راه،  
دیرکردن‌ها و شتاب‌های مرا تحمل کرده و همواره با حمایت‌ها و امیدواری‌ها مسیر ناهموار این  
اثر را هموار کردند. از این دو بزرگوار صمیمانه سپاسگزارم.  
سخنم را با کلامی از برشت به پایان می‌برم که می‌گوید: «سعی نکنید تا در وقت مرگ  
انسان بهتری باشید، بکوشید تا جهان بهتری را ترک بکنید»

آمنه مجذوب صفا

دی‌ماه ۱۳۸۹

## مقدمه

در آغاز به بررسی تاریخچه‌ی مختصری از تئاتر و سپس به حضور تئاتر در ایران تا روزگار ساعدی می‌پردازیم. در ادامه شیوه‌ی کار این پژوهش یعنی ادبیات تطبیقی را شرح داده و نظریه‌ی فرانسوی را بیان می‌کنیم. بعد از معرفی مختصری از برشت و ساعدی به سراغ شیوه‌های مخصوص این دو نویسنده می‌رویم.

### ۱-۱- تاریخچه‌ی تئاتر

تئاتر یکی از قدیمی‌ترین هنرهای رایج جوامع بشری بوده و در تقسیم‌بندی‌های مختلف به عنوان هنر ششم یا هفتم به همراه سینما دسته‌بندی شده است. (رک: صمدی ۱۳۷۶. احمدزاده، مرداد ۱۳۸۹ و همچنین دهخدا، ۱۳۷۴: ذیل واژه تئاتر) این هنر در طول تاریخ بشر تأثیرات عمده‌ای در تغییرات فرهنگی جوامع مختلف بر جای گذاشته است. شاید بتوان ادعا کرد که تئاتر پیش از پیدایش خط و در زمان هنرهای بصری همچون نقاشی وجود داشته، زیرا تئاتر پیش از بنا نهادن آموزش بر مبنای خط توانایی آموزش و تعلیم را به شکلی مستقیم داشته است. این ادعا را نگاره‌های مختلف و سنگواره‌های برجا مانده از دوران پیشا تاریخ تا حدودی تأیید می‌کند. «کنده‌کاری‌هایی که تصاویر آن‌ها شامل گونه‌ای تسلسل داستانی است و نیز پیشرفت موسیقی داستان‌دار درباری خصوصا در عصر ساسانیان یا رقص‌هایی که ضمن آن‌ها داستان‌هایی نموده می‌شده است و حتی وجود نقالی، نشان دهنده‌ی آن است که حس تجسم بخشیدن یا بازنمودن و

بررسی تطبیقی تأثیر نمایش نامه‌نویسی برتولت برشت بر نمایش نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی براساس روش فرانسوی

نمایش دادن وقایع در گذشته‌های دور و به شکل‌های گوناگون وجود داشته‌است. ...مدارک  
بیشماری طی قرن‌های متمادی از میان رفته و یا زیرخاک مدفون شده‌است.» (بیضایی، ۱۳۸۵: ۴۶)

به زعم بسیاری از محققان تاریخ تئاتر اولیّه به اولین روزگار زندگی اجتماعی نوع بشر

یعنی دوران چادرنشینی و کوچ نشینی باز می‌گردد. «به نظر می‌رسد پس از شکل‌گیری قبایل و  
تشکیل جوامع اولیّه‌ی انسانی، یکی از سرگرمی‌های افراد برای گذران شب‌های طولانی، بازی

کردن با سایه‌ها و رقص در اطراف آتش بوده‌است.» (همان: ۹۲) بنابراین انعکاس سایه‌ها  
می‌تواند اولین پایه‌های بنای هنر تئاتر باشد. با رواج تمدن و شهرنشینی تئاتر نیز همچون بسیاری

اعمال و حرکات دیگر انسان تحولات و تغییرات بسیاری یافت و به مرور همانند دیگر جوانب  
زندگی بشر به سمت مدون و منظم شدن حرکت کرد. باید پذیرفت که اولین تئاترهای شکل

گرفته به شیوه‌های قابل قبول امروزی، بر مبنای سنن دینی و داستان‌های مرتبط با دین اجرا  
می‌شده‌اند. بدون شک نمایش در آغاز از تحول رسم‌ها و نیایش‌های مذهبی به وجود آمده‌است.

(رک: بیضایی، ۱۳۸۵: ۲۵-۱۰)

«اولین مرجع معتبر و برجای مانده درباره‌ی تئاتر رساله‌ی *قوانین افلاطون (Plato)* است،

چرا که این رساله بیشتر به موسیقی و رقص می‌پردازد هرچند نظریات دیگر او در این باب در  
رساله‌ی *جمهور هم قابل مشاهده است.*» (سپهران، ۱۳۸۸: ۱۸) بدون شک پیش از *افلاطون* درباره‌ی

تئاتر سخنانی در میان افراد جوامع مطرح بوده‌است، اما آنچه به طور مدون و تئوریک، از نقد  
تئاتری برجای مانده؛ در این رساله دیده می‌شود. قابل توجه و بررسی است که: «نظریات *افلاطون*

در باب تئاتر بسیار شبیه به نظریه‌های او درباره‌ی شعر و ادبیات است.» (همان: ۲۰) برطبق همین  
شواهد برجای مانده از نقد و بررسی‌های اولیّه تئاتر، خاستگاه تئاتر به معنای امروزی آن، یونان

باستان است. یادآوری می‌کنیم که تئاتر در معنای امروزی آن را مورد نظر داریم و با گذر از  
مراحل سایه بازی‌های اقوام ابتدایی، یونان را محل تولد تئاتر می‌دانیم. این سنت نیز همچون

بسیاری رسوم دیگر از یونانی‌ها به رومی‌ها رسید. به گونه‌ای که برخی از صاحب نظران، جنگ  
گلادیاتورها را نیز نوعی تئاتر به حساب می‌آورند. (بیضایی، ۱۳۸۵: ۱۰) پس تئاتر امروزی نیز



بررسی تطبیقی تأثیر نمایش‌نامه‌نویسی برتولت برشت بر نمایش‌نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی براساس روش فرانسوی

همچون بسیاری موارد دیگر میراثی هلنی است؛ هرچند که هنوز تئاترهای با پایه‌های بومی و وفادار به خرده‌فرهنگ‌های اجتماعی در میان جوامع به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه می‌توان به سنت نقالی و تعزیه اشاره کرد. در عین حال نظریاتی وجود دارد که براساس آن هیچ تئاتر بومی با وجود تأثیر شدید تئاتر یونانی باقی نمانده است. «در نیمه‌ی قرن پنجم پیش از میلاد، روابط ایران و یونان به اندازه‌ای نزدیک بود که ایرانیان از جزئیات فرهنگ یونان خبر داشته‌اند و احتمال بسیار می‌رود که تئاتر یونانی نیز به ایران آمده باشد و آغاز تئاتر را در ایران همین دوره باید دانست.» (نفیسی، ۱۳۳۱: ۱۰) یعنی تأثیر یونان و فرهنگ یونانی از همان ابتدا وارد شده بوده و هرآنچه حتی به عنوان تئاتر بومی معرفی شده؛ مبتنی بر همان فرهنگ است. در هر حال به نظر می‌رسد همگان این نظریه را قبول ندارند یا حداقل روند بومی‌سازی را در ایران، آنچنان قوی می‌دانند که تأثیر و ورود تئاتر غربی را به بعد از مشروطه نسبت می‌دهند، چرا که غالباً ورود هر فرهنگ جدید غیر از تأثیرات بسیار زیادی که به همراه خود به فرهنگ میزبان وارد می‌کند، بسیار تحت تأثیر فرهنگ میزبان قرار می‌گیرد. به همین دلیل می‌توان مدعی شد که فرهنگ وارداتی به مرور زمان بومی شده و به تعادل‌های لازم می‌رسد.

نظریات گوناگون درباره‌ی قواعد و شیوه‌های نمایشی در میان آثار فیلسوفان که در حقیقت تنها نمونه‌ی فعال اندیشمندان در طی قرون پیش از این بوده‌اند؛ نشان از اهمیت و جایگاه این هنر در میان مردم دارد. فیلسوفان اولیه در باره تئاتر سخنان فراوانی دارند. بعد از رساله‌های افلاطون به بوطیقای ارسطو (Aristotle) می‌رسیم که در فصلی جداگانه بر مبنای تقسیم بندی از انواع هنرها، به تئاتر و قواعد و قوانین مربوط به آن می‌پردازد. به نظر می‌رسد از دیرباز بعد از جنبه‌ی سرگرمی و لذت‌بخشی که تقریباً رسالت تمامی هنرهاست؛ جنبه‌ی تعلیمی و آموزشی نیز بسیار مورد توجه بوده است. این توجه به جنبه‌های تعلیمی شاید برخاسته از همان بطن دینی و مذهبی تئاترهای اولیه باشد. این دو کفه در طی زمان دچار تحولات مختلفی شده و در دوره‌های مختلف تناسب و تعادل میان آن‌ها برهم خورده است. این تغییرات به اشکال گوناگون در نوشته‌ها و سبک‌های مختلف نمود پیدا کرده‌اند، اما آنچه مسلم است هیچ‌یک از این دو جنبه هرگز در طی زمان حذف نشده است.

بررسی تطبیقی تأثیر نمایش نامه‌نویسی بر تولد برشت بر نمایش نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی بر اساس روش فرانسوی

شاید بتوان ادعا کرد که تئاتر هنری است تلفیقی که از امتزاج لذت‌بخشی و سرگرمی با تعلیم و تربیت به وجود می‌آید. افراد مختلف در دوره‌های گوناگون در نقدهایی که بر تئاتر نوشته‌اند، این دو جنبه را از وجوه مختلفی مورد بررسی قرار داده‌اند. واضح است که با بروز و ظهور پدیده‌هایی همچون سینما و تلویزیون اثربخشی و تأثیر تئاتر در حوزه‌ی فرهنگی کم‌رنگ‌تر شد؛ اما نقش و تأثیر آن را بخصوص پیش از ظهور این رسانه‌های جمعی که سطوح ارتباطی گسترده‌تری را تحت پوشش قرار می‌دهند، نمی‌توان نادیده گرفت. دلیل پایداری و ماندگاری تئاتر را به رغم حضور تمام پدیده‌های رقیب، فقط می‌توان در این دانست که روح زندگی، پویایی و قرابت با تماشاگر شاخصه‌هایی است که تنها در صحنه‌ی تئاتر قابل درک و لمس است. همین روح پویا و ساختار قابل انعطاف تئاتر باعث می‌شود تا سبک‌های جدید بر اساس نیاز هر دوره شکل بگیرد.

همان‌طور که پیش از این اشاره کردیم (همین اثر: ۱۰)، یونان خاستگاه اولیه‌ی تئاتر به شکل مدون است. هرچند تئاتر بومی برمبنای فرهنگ‌های ملّی وجود داشت و حتی بعد از نفوذ تئاتر غربی و شیوه‌های آن توانست به حیات خود ادامه بدهد، تقریباً تمامی محققان و دست‌اندرکاران تئاتر، تئاتر امروزی را وام‌دار و ادامه‌دهنده‌ی همان آیین و شیوه‌های غربی می‌دانند. «تئاتر همچون سینما رابطه‌ی بسیار مستقیمی با ادبیات دارد و از جمله هنرهای وابسته به ادبیات محسوب می‌شود، چرا که غالباً متون نمایشی و آثار نمایشنامه‌نویسان مفاهیم تئاتری را منتقل می‌کند. هرچند برخی از متعصبان خلاف این عقیده را دارند؛ یعنی معتقدند تئاتر به طور مستقل از ادبیات به خوبی می‌تواند ادامه‌ی حیات بدهد و برای اثبات این مدعا لال‌بازی و پاتومیم را مثال می‌زنند. این نوع تئاتر به طور کاملاً مستقل برمبنای حرکت و اعمال شکل گرفته‌است و در سراسر جهان طرفداران خاص خود را دارد؛ اما به طور کلی و در مکاتب رایج تئاتر، تئاتر خوب برخاسته از یک متن نمایشی قوی است و کارگردانی تئاتر نیز در جذب تماشاگران و تأثیرگذاری متن سهم عمده و بسزایی دارد.» (جینکز، ۱۳۸۱: ۷)

سبک‌های تئاتر همگام با ادبیات دچار تغییر و تحولات بسیاری شدند، اما تمامی مکاتب ادبی در تئاتر ظهور و بروز نکردند.

بررسی تطبیقی تأثیر نمایش‌نامه‌نویسی برتولت برشت بر نمایش‌نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی براساس روش فرانسوی

سه محور و سبک اصلی در تئاتر شامل سبک شکسپیر (1564-1616) *Shakespeare*، استانیسلاوسکی (1863-1938) *Stanislavski* و برشت (1898-1956) *Brecht* می‌شود. اینان از جمله کسانی هستند که توانستند سبک و شیوه‌های جدیدی را در تئاتر از نظر اجرایی و نوشتاری پایه‌گذاری کنند.

### ۱-۱-۱ تئاتر شکسپیری

این نوع تئاتر نوعی تئاتر تجملی و درباری است. «در دوره‌ی میانه‌ی قرن شانزدهم تا زمان می‌توانیم روزهایی روشن را در انتهای دوران بسته‌ی الیزابتی ببینیم. این بیانگر این نکته‌ی که چرا نگاه‌های تاریخی در عصر هنری دوم با ششم فرقی ندارد نیست؛ بلکه تنها نشانگر منابعی است که در آغاز عصر روشنی برای نوشتن این گنجینه‌ی عظیم از تئاتر تاریخی از آن‌ها سود برده‌اند.» (دوتن، Dutton، ۲۰۰۳: ۵) با وجود این ذخیره‌ی عظیم بی‌تردید باید پذیرفت که شیوه و روش نوشتار تئاتر شکسپیری چیزی جز تاریخ و اهمیت نگاه تاریخی نیست. «تأثیر تاریخ و وقایع تاریخی در شیوه‌ی شکسپیر توسط مقلدان بعدی او نیز دنبال شد. دلیل اصلی برای این توجه تاریخی را باید در اولین دوران بروز تخیل جستجو کرد که منبع اصلی در این زمان تنها کتاب مقدس و متون آن است. بنابراین بعد از تأثیر ساختاری متن مقدس، وقایع و رخدادهای حقیقی مایه‌ی الهام نویسندگان قرار گرفتند.» (همان: ۹-۷)

تئاتر شکسپیری یا در حقیقت تئاتر مدون کلاسیک قرن‌ها یگانه‌تاز عرصه‌ی تئاتر غربی بود و در همین زمان در اغلب کشورها نیز تئاتر بومی و آیین‌های محلی شبه‌تئاتر به کار خود ادامه می‌دادند.

### ۱-۱-۲ تئاتر استانیسلاوسکی

در مقابل این نوع تئاتر درباری یا همان سبک شکسپیری تئاتر مردمی یا شیوه‌ی مورد نظر استانیسلاوسکی و برشت قرار دارد. البته بعداً برشت با تدوین نظریات تئاتری ویژه و سبک تازه‌اش شیوه‌ی متفاوتی از مکتب و سبک استانیسلاوسکی را ارائه کرد. «...نویسندگان و سلسله‌جنبانان از اواخر قرن نوزدهم، جاه‌طلبی بیرون کشیدن تئاتر از جو تجملی که به آن محدود شده بود و بازگرداندن حضور مردمی به آن را سرفصل کارهای خودشان قرار دادند... آنان چون

بررسی تطبیقی تأثیر نمایش نامه‌نویسی برتولت برشت بر نمایش نامه‌نویسی غلامحسین ساعدی براساس روش فرانسوی

نگران شایستگی هنرشان بودند، برای آن وظیفه‌ای مدنی در نظر می‌گرفتند. این هنر تنها تفریح نبود، بلکه از خلال آن، آموزش و فرهنگ عرضه می‌شد و به ذهن تماشاگر شکل می‌داد. هم و غم استانیسلاوسکی و رومن رولان نیز چنین بود» (مینون، ۱۳۸۳: ۳۸) به همین دلیل تئاتر بیش از پیش در اجتماع و زندگی مردم عادی مطرح شد. در همین زمان؛ تئاتر از حیطه‌ی تجملی و فئودالی خارج شده و شکلی همگام با زندگی بورژوازی پیدا کرد و رسالت اجتماعی برای تئاتر در این زمان بیش از پیش مطرح شد.

در آغاز قرن بیستم تحولات اجتماعی، سیاسی و ادبی به تغییرات عرصه‌ی تئاتر کمک کرد. این تحولات راه را برای ایجاد تغییرات اساسی در سبک‌ها و شیوه‌های تئاتری باز کرد. در این قرن با بروز انقلاب صنعتی، شیوه‌ی زندگی مردم بسیار تغییر کرد و شتاب در عرصه‌ی هنر، ادبیات و فرهنگ را نیز تحت تأثیر قرار داد. به همین دلیل در این قرن فاصله‌ی بین ایجاد یک مکتب با سبک بعدی گاهی به یک دهه هم نمی‌رسد. گاهی به همین دلیل در یک زمان شاهد خلق آثاری در سبک‌ها و مکاتب مختلف هستیم. این مهم فارغ از این‌که نشانگر شتاب گرفتن زندگی مردم عادی است، پویایی، رشد و گسترش خلاقیت و استعداد را در عرصه‌های مختلف نشان می‌دهد. به همین دلیل در این قرن با حضور بیش از پیش تماشاگران و اهمیت آنان در عرصه‌ی تئاتر درونیات و تقابل‌های انسانی موضوع اصلی نمایش‌ها قرار گرفت و روابط و اعمال انسان‌ها محور اصلی نمایش‌های این دوره شد.

با گسترش تئاتر مردمی در آغاز قرن بیستم، گستره‌ی کلی هنر تئاتر و طرفداران آن به طور کلی در جهان وسعت یافت. تئاتر نوین و مکتب مدرن تئاتر به سرعت در میان جوامع رخنه کرد و پایگاه اجتماعی خویش را بیش از گذشته در میان مردم به دست آورد. این رخداد باعث شد تا تأثیرات تئاتر در جوانب مختلف زندگی مردم و تقابل مستقیم انسان‌ها با تئاتر سرعت بیشتری یابد. توسعه‌ی تئاتر مفاهیم و اطلاعات را در کمتر زمانی از جایی به جای دیگر منتقل می‌کرد. مسایل و مشکلات یا ابداعات و اختراعات دیگر تنها منحصر به یک کشور نمی‌شد و همگام با رشد روزافزون رسانه‌های جمعی، تئاتر به عنوان هنری مردمی در راستای نیازهای روز جامعه حرکت می‌کرد.